

تجردزیستی در دختران مجرد: مطالعه پدیدارشناختی چالش‌ها و راهبردها Solo-living among single women: A Phenomenological Study of Challenges and Strategies

Mahnaz Dehghan Hesar*

PhD Candidate in Educational Psychology, Faculty of Psychology and Education, Tehran University, Tehran, Iran. mahnaz_dehghan@ut.ac.ir

Mansureh Hajhosseini

Assistant Professor of the Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Education, Tehran University, Tehran, Iran.

Masoud Gholamali Lavasani

Associate Professor of the Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Education, Tehran University, Tehran, Iran.

Elahe Hejazi Moughari

Associate Professor of the Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Education, Tehran University, Tehran, Iran.

مهناز دهقان حصار (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

منصوره حاج حسینی

استادیار گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مسعود غلامعلی لواسانی

دانشیار گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

الهه حجازی موغاری

دانشیار گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abstract

Late marriage and the entry of unmarried girls into emerging adulthood and middle age have caused them to spend a longer period of their lives single, in the meantime, some girls are separated from their families due to voluntary or involuntary reasons to experience an independent life. This study aimed to identify the challenges and strategies of a solo-living lifestyle in single girls. The research method was a qualitative method with a phenomenological approach which is conducted in 2021-2022. Participants were 13 unmarried girls over 30 years old who lived in their independent homes in Tehran. Participants were selected by the purposive method through snowball sampling. Data were collected with semi-structured interviews and interviews continued until data saturation. Data were analyzed based on the Glaser and Strauss (1967) approach. Dimensions of tendency in solo living, challenges, facilitation strategies, and attitudes toward motherhood have been found. Based on the results the path that has led to the experience of solo living as well as participants' current situation toward living single by recognizing their challenges, facilitating strategies, and their attitude toward motherhood can be used in social, cultural, and educational planning.

Keywords: Solo-living, Single Girls, Independent Women, Phenomenological Study.

چکیده

تاخیر در ازدواج و ورود افراد مجرد به دوران پیش‌بزرگسالی و میان‌سالی در دختران باعث شده است تا آن‌ها دوران طولانی‌تری از زندگی را به‌صورت مجردی سپری کنند و در این میان برخی از دختران به دلایل خودخواسته یا ناخواسته از خانواده جدا شده و زندگی مستقلی را تشکیل می‌دهند. هدف پژوهش حاضر شناسایی مسائل برخاسته از سبک زندگی تجردزیستی در دختران مجرد بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی در محدوده زمانی سال‌های ۱۳۹۹-۱۴۰۰ انجام پذیرفت. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۳ دختر تجردزیست بالای ۳۰ سال ساکن شهر تهران بودند که سابقه ازدواج نداشتند و در خانه‌های شخصی خود زندگی می‌کردند. مشارکت‌کنندگان به روش هدفمند و از طریق نمونه‌گیری گلوله‌برفی برگزیده شدند. گردآوری اطلاعات با مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و داده‌های به دست آمده مطابق با رویکرد تحلیل تفسیری نظریه زمینه‌ای گلاسر و استراس (۱۹۶۷) تحلیل، تفسیر و طبقه‌بندی گردید. از گفتگو با مشارکت‌کنندگان ابعاد گرایش به تجردزیستی، چالش‌ها و راهبردهای تسهیل‌گر در تجردزیستی و نگرش به مادری حاصل آمد. بر مبنای یافته‌ها می‌توان چشم‌اندازی از گذشته و آنچه دختران را به سوی تجردزیستی سوق داده است؛ شرایط فعلی آن‌ها با توجه به مضامین چالش‌ها، نگرش به مادری و تسهیل‌گرهای تجردزیستی به دست آورد که در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی می‌تواند قابل استفاده باشد.

واژه‌های کلیدی: تجردزیستی، دختران مجرد، زنان مستقل، مطالعه پدیدارشناسی.

انسان در گذر اعصار، بنا به ماهیت اجتماعی خود و به تناسب شرایط زمانه و تحولات اجتماعی، جغرافیایی، دینی، فرهنگی و عرفی، الگوهای متفاوتی از زندگی را تجربه نموده است. الگوی زندگی انسانی در گذر زمان از خانواده‌های قبیله‌ای و گسترده تا خانواده‌های هسته‌ای تغییر کرده و امروزه علاوه بر تحولات اجتماعی عصر مدرن، مسئله جهانی شدن نیز بر شیوه زندگی و الگوهای ارتباطات انسانی از جمله خانواده تأثیر گذارده است. مطابق با مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نرخ ازدواج در اغلب کشورها کاهش یافته و شمار افراد مجرد در حال افزایش است (کللیک^۱، ۲۰۱۸؛ رایمو^۲ و همکاران، ۲۰۲۱) و این امر می‌تواند منجر به تجربه الگوهای جدیدی از سبک‌های نوین زندگی شود.

همسو با تغییرات جهانی، روند تجرد در ایران نیز شتاب یافته است. یکی از مسائلی که در آمارهای رسمی به چشم می‌خورد افزایش سن ازدواج، تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی است (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۵). آمارها نشان می‌دهد که شاخص تأخیر در سن ازدواج در زنان در کمتر از ده سال به بیش از دو برابر افزایش یافته است و افزایش میانگین سن ازدواج برای زنان به بالای ۳۰ سال رسیده است (محبی و همکاران، ۱۳۹۵). بالارفتن سن ازدواج و افزایش آمار دختران مجرد بالای ۳۰ سال به عنوان مسئله‌ای اجتماعی در ایران تجربه می‌شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۸).

تأخیر در ازدواج باعث می‌شود افراد دوران طولانی‌تری از زندگی خود را به صورت مجردی سپری کنند و خانواده به مفهوم سنتی آن تغییر کند و سبک‌های زندگی نوینی ایجاد شود (افراشته و فرمانفرمایی، ۱۳۹۶) و یکی از این سبک‌های نوین، تجردزیستی است. پژوهش‌ها حاکی از آن است که این نوع تجربه زندگی در حال افزایش است (مداحی و همکاران، ۱۴۰۰) و از آنجایی که جامعه هنوز آمادگی کافی برای پذیرش گروه جدید دختران مجرد را ندارد افزایش این گروه جمعیتی می‌تواند مشکلات اجتماعی، (در سطح کلان) و فشارهای عصبی و روانی (در سطح فردی) را به دنبال داشته باشد. به عنوان مثال، در سطح کلان، تأخیر در ازدواج می‌تواند یکی از عوامل کم شدن میزان زادوولد باشد (فتحی، ۱۳۸۸؛ کاظمی‌پور، ۱۴۰۰). تأخیر در ازدواج دختران بالای ۳۰ سال باعث تجربه کردن استرس‌های گوناگونی در سطوح فردی و خانوادگی می‌شود که ممکن است سلامت روانی فرد را با خطراتی مواجه سازد (خدابخشی و پیش بهار، ۱۳۹۸). ترس از تنهایی در آینده، محرومیت ناشی از نبود همدم، محرومیت ناشی از نداشتن فرزند از جمله مشکلات زنان مجرد است (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵). همچنین دختران مجرد در زندگی روزمره خود نوعی طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند که بخشی از این طرد مربوط به روابط و شبکه‌های اجتماعی است (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶) و در واقع این افراد به واسطه مجرد ماندن، در خطر انزوای بیشتری از روابط اجتماعی قرار دارند (فرضی‌زاده، ۱۳۹۳؛ باقری و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش دی پالو^۳ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که رسانه همواره مجردها را افرادی تنها و غمگین به تصویر کشانده است و این تصویر همیشگی از مجردی غمگین می‌تواند عاملی بر افزایش فشارهای اجتماعی بر افراد مجرد باشد. علاوه بر این مسائل، تجارب زندگی در دو بافت سنتی و مدرن، چالش‌های هویتی را نیز ممکن است برای دختران مجرد به وجود آورد. تجرد به‌ویژه برای زنان، متحمل نوعی هزینه از سوی جامعه است که ممکن است با ترحم و سرزنش همراه باشد. این خدشه هویتی از یکسو به خاطر تشکیل خانواده ندادن و از سویی به علت بر عهده نگرفتن نقش همسر یا مادر است (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵).

اگرچه غالب پژوهش‌های داخلی از شرایط دشوار تجردزیستی و مشکلات در زندگی دختران مجرد حاکی هستند در برخی از پژوهش‌ها بخصوص در سبک زندگی غربی یافته‌هایی مبنی بر این است که زندگی افراد مجرد سراسر دشواری نیست. دی پالو (۲۰۱۶)، استدلال می‌کند که تصویر دقیقی از زندگی افراد مجرد وجود ندارد و بیشتر به ابعاد منفی زندگی مجردها پرداخته شده است ولی تجربه مجردی دارای انعطاف‌پذیری و نقاط قوتی نیز هست که زندگی افراد را معنادار می‌کند. او در یافته‌های خود بیان می‌کند که افراد مجرد نسبت به افراد متأهل بیشتر با والدین، خواهر و برادر، دوستان، همسایگان و همکاران ارتباط دارند. ادی^۴ و برانلو^۵ (۲۰۱۴)، در مطالعه بر روی زنان مجرد و بدون فرزند بیان کرد که این زنان به خوبی دریافته‌اند که می‌توانند بخشی از هویت خود را بر روی گفتمان زنان مستقل تعریف

Çelikk^۱Raymo^۲DePaulo^۳

4 Addie

5 Brawenlo

کنند و این نحوه هویت‌یابی آن‌ها را قادر ساخته تا فرصت‌های مثبت در زندگی‌شان را دنبال کنند. مک دیل^۱ و همکاران (۲۰۰۶) بر مبنای تحلیل‌های توصیفی از زنان مجرد بر مبنای تئوری سیستم‌های بوم‌شناختی نشان دادند که زنان مجرد از نظر اجتماعی مولد بوده و به خوبی خود را با وضعیت تنهایی انطباق داده‌اند. این زنان مشخص کرده‌اند که خانواده برای آن‌ها وقتی پیر می‌شوند چه معنایی دارد. مطالعه بر روی زنانی که هرگز ازدواج نکردند نشان می‌دهد این زنان حیطه آزادی بالایی دارند و به واسطه مجردی‌شان رشد فردی بهتری را گزارش داده‌اند (فولر^۲، ۲۰۰۱؛ کلیک، ۲۰۱۸).

در جامعه ایران پژوهش‌های مربوط به دختران مجرد به روشنی وضعیت واقعی دختران مجرد زیست را توصیف نمی‌کند و عمده پژوهش‌ها مربوط به گروهی از دختران مجرد است که همراه با والدین خود زندگی می‌کنند و دختران مجرد مستقل کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و بیشتر پژوهش‌ها معطوف به بررسی و ریشه‌یابی علل تأخیر در ازدواج است؛ (کجباف و همکاران، ۱۳۸۷؛ پور اعتماد، ۱۳۸۳؛ حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶، باقری و همکاران، ۱۳۹۸). همان‌طور که بیان شد آمارهای رسمی کشوری حاکی از آن است که سن ازدواج در حال افزایش است، عمومیت ازدواج کاهش یافته است، افراد زیادی مجرد قطعی را تجربه خواهند کرد و در این میان شهرهای بزرگ مانند تهران بیشترین افزایش نرخ سن ازدواج را تجربه می‌کنند (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۵). آمار دقیق و رسمی در مورد تعداد افراد مجرد زیست وجود ندارد اما با افزایش میزان افراد مجرد امکان تجربه زندگی مجردی نیز افزایش می‌یابد.

اینکه دختران مجرد زیست به ویژه در شهر تهران که بیشتر از دیگر مناطق ایران در مسیر مدرن شدن قرار دارد در چه شرایطی به سر می‌برند، چه عواملی آن‌ها را به انتخاب این سبک زندگی سوق داده، آن‌ها با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند و برای عبور از این چالش‌ها از چه راهبردهایی استفاده می‌کنند، در کمتر پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته و همین امر لزوم مطالعه‌ای همه‌جانبه در مورد این گروه از جامعه را موجب شده است. همچنین، از آنجایی که جامعه ما جامعه‌ای گسترده با تنوعی از سبک‌های زندگی از سنتی تا پسمدرن است شناخت دقیق‌تر سبک‌های متفاوت زندگی می‌تواند منجر به افزایش ایجاد شرایط همزیستی مسالمت‌آمیز درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی شود و به کاهش برخی کلیشه‌ها که از عدم شناخت صحیح تجردزیستی‌های خودخواسته یا ناخواسته ناشی می‌شود کمک کند؛ لذا این پژوهش به مطالعه تجارب دختران مجرد از تجردزیستی در راستای شناخت این پدیده پرداخته است.

روش

این پژوهش در رویکرد کیفی^۳ است. پژوهش کیفی به دنبال توضیح پدیده‌های اجتماعی است و کمک می‌کند تا دنیای اجتماعی به شکلی که افراد زندگی می‌کنند و علتی که این‌گونه زندگی می‌کنند درک شود. به بیان دیگر پژوهش کیفی به محقق کمک می‌کند هم افراد و هم بافت فرهنگی-اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند را بهتر درک کنند (پالمر^۴، بولدرستون^۵، ۲۰۰۶). در این پژوهش به منظور شناخت همه جانبه سبک زندگی دختران مجرد زیست از روش پدیدارشناسی^۶ استفاده شد. پدیدارشناسی پژوهشی درباره جهان است، آن‌گونه که بر افراد جلوه‌گر می‌شود، هنگامی که آنان خود را در حالتی از آگاهی قرار می‌دهند که گویای تلاشی برای آزاد شدن از سوگیری‌ها، تعصبات و عقاید روزمره باشد (گال^۷، بورگ^۸ و گال، ۱۳۹۹).

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش دختران مجرد زیست بالای ۳۰ سال ساکن شهر تهران بودند. ملاک ورود مشارکت‌کنندگان به این پژوهش اینگونه بود که؛ (۱) تجربه ازدواج رسمی نداشته باشند؛ (۲) از تجردزیستی آن‌ها بیش از دو سال گذشته باشد و آن دو سال را در تهران ساکن بوده باشند؛ (۳) مستقل از خانواده زیستی خود زندگی کنند. مشارکت‌کنندگان به روش هدفمند از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی برگزیده شدند. در ابتدا از میان دوستان و آشنایان پژوهشگران، افرادی که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند انتخاب شدند و

1 McDil

Fuller^۲Qualitative approach^۳Palmer^۴Bolderston^۵Phenomenological^۶

7 Gall

8 Borg

Solo-living among single women: A Phenomenological Study of Challenges and Strategies

سپس از همان افراد درخواست شد که چنانچه افراد دیگری با سبک زندگی مشابه را می‌شناسند برای مشارکت در این پژوهش معرفی کنند. داده‌های این پژوهش در سال‌های ۱۳۹۹-۱۴۰۰ جمع‌آوری شد و تمامی مشارکت‌کنندگان به‌صورت داوطلبانه حاضر به همکاری در این پژوهش شدند. تعداد مشارکت‌کنندگان و مصاحبه با آن‌ها با توجه به اشباع داده‌ها صورت گرفت. بر پایه اصل اشباع در پژوهش‌های کیفی و با تکراری شدن پاسخ‌ها، تعداد دختران مشارکت‌کننده در این پژوهش به ۱۳ نفر رسید.

جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ استفاده شد. ابتدا، بر مبنای پیشینه پژوهش و چند مصاحبه بدون ساختار مقدماتی، محورهایی برای مصاحبه تدوین شد. مشارکت‌کنندگان بعد از آشنایی با موضوع مصاحبه، رضایت خود برای مشارکت را اعلام کردند و با تعهد حفظ امانت اجازه ضبط صدا اخذ شد. مدت‌زمان مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۵۵ دقیقه متغیر بود. همچنین این فرصت به مشارکت‌کنندگان داده شد تا بعد از اتمام مصاحبه‌ها نیز با مصاحبه‌گر در ارتباط باشند و در صورت وجود نکات تکمیلی که در حین مصاحبه به آن‌ها اشاره نکردند این نکات را با مصاحبه‌گر مطرح نمایند. بنا بر ملاحظات اخلاقی، موضوع مصاحبه به شرکت‌کنندگان گفته شد و آزادی برای انصراف از پژوهش با آن‌ها در میان گذاشته شد. در ثبت اطلاعات از اسامی مستعار دختران استفاده شد. همچنین به مشارکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که بعد از مکتوب‌شدن مصاحبه‌ها، صدای ضبط شده آن‌ها حذف خواهد شد.

تحلیل داده‌ها بر پایه روش گلاسر^۲ و استراس^۳ (۱۹۶۷) انجام شد. در قدم اول تمامی مصاحبه‌ها مکتوب شد و تلفیق کاملی از داده‌های صورت پذیرفت. سپس بخش‌های معنادار شناسایی شده و قطعه معنادار یا واحد تحلیل استخراج گردید. این قطعه‌ها^۴ قسمتی از یک متن‌اند که در آن یک فقره از اطلاعات جامع وجود دارد و عبارت معناداری هستند که با هر اندازه از طول بتوانند حتی خارج از بافتار متن قابل درک باشد. سپس بر اساس استنباط و تفسیر واحدهای معنادار، مقوله‌ها تدوین و اطلاعات خلاصه شدند. هر واحد معنادار بر پایه ابعاد و عناصر ارائه‌شده در تبیین‌های نظری در قالب مؤلفه‌های استنباطی دسته‌بندی شد. این مرحله در فرایندی از مقایسه مداوم و سپس اصلاح و مقوله‌بندی مجدد، آن‌قدر تکرار می‌گردد تا هر واحد معنادار در یک مقوله روشن قرار بگیرد. سپس با شمارش فراوانی استنادها برای مؤلفه‌های استنباطی، نسبت‌های هر مؤلفه استخراج گردید. در نهایت بر پایه فراوانی و نسبت‌های همه مؤلفه‌های استنباط شده، به استخراج مضامین پرداخته، به کمک مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در دسته‌ها و مقوله‌ها و ترکیب معانی حاصل، به ارائه یافته‌ها اقدام گردید (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۹). در این پژوهش، طی تحلیل داده‌ها با تعدادی از مشارکت‌کنندگان ارتباط حفظ شد و یافته‌ها به برخی از آن‌ها ارسال شد تا دیدگاه مشارکت‌کنندگان نیز در تحلیل اولیه مورد بررسی قرار گیرد و از پیشنهادهای آن‌ها استفاده شود. همچنین، از نظرات دو همکار متخصص در امور کیفی برای تبادل نظر در خصوص کدگذاری‌ها و رسیدن به اجماع استفاده شد و در تمام مراحل پژوهش، همکاری که در کار کیفی تجربه داشتند، علاوه بر نظارت بر مراحل اجرایی، مضامین استخراجی را مورد بازبینی قرار دادند.

یافته‌ها

در جدول زیر اطلاعات مشارکت‌کنندگان همراه با نام‌های مستعار آن‌ها ذکر شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	سن	شغل	میزان تحصیلات	مدت‌زمان مجرد زیستی (سال)
۱	نسرين	۴۰	برنامه‌نویس	کارشناسی ارشد	۱۲
۲	سارا	۳۷	معلم	کارشناسی ارشد	۵
۳	ندا	۳۸	معلم	دکتری	۷
۴	فرناز	۳۲	آزاد	کارشناسی	۴

1 Semi structured interview

2 Glaser

3 Strauss

4 Segment

۵	شیما	۳۶	مدرس زبان	کارشناسی ارشد	۸
۶	مهسا	۳۲	کارشناس شبکه	کارشناسی	۳
۷	سمانه	۳۶	وکیل	کارشناسی ارشد	۸
۸	فاطمه	۳۵	مهندس	دکتری	۴
۹	فرانک	۳۶	آزاد	کارشناسی ارشد	۹
۱۰	شادی	۳۸	تولیدکننده محتوا	کارشناسی	۱۳
۱۱	زهرا	۳۴	وکالت	کارشناسی ارشد	۹
۱۲	مرجان	۳۲	کارمند	کارشناسی	۳
۱۳	نازنین	۳۳	مسئول دفتر	کارشناسی	۳.۵

در بین مصاحبه‌شوندگان، ۹ نفر از دختران، خانواده زیستی‌شان ساکن شهرستان و ۴ نفر از دختران در حالی زندگی مستقل را تجربه می‌کردند که خانواده آن‌ها ساکن شهر تهران بودند. تمامی دختران دارای حداقل تحصیلات کارشناسی و شاغل بودند. پس از تحلیل و طبقه‌بندی مکرر داده‌ها، ابعاد اصلی زیر حاصل آمد: الف) زمینه‌های گرایش به تجردزیستی، ب) چالش‌های تجرد زیستی، ج) راهبردهای تسهیل‌گر زندگی و د) نگرش به مادری

الف) عوامل زمینه‌ساز تجربه تجردزیستی: از خوابگاه دانشجویی تا تمایل به استقلال

جدول ۲: زمینه‌های گرایش به تجردزیستی

مضمون فرعی	نمونه پاسخ
مهاجرت تحصیلی یا کاری	اونجا(شهرستان) تعریفی برای زندگی خوب یک دختر مجرد وجود نداره. / وقتی به زندگی تو شهر بزرگ عادت می‌کنی دیگه برگشتن سخت میشه. اونجا همه بهم ربط دارند.
رخدادهای ناخواسته خانوادگی	مامان و بابا جدا زندگی می‌کردن. با بابام زندگی می‌کردیم از به جایی بابام تصمیم گرفت که ازدواج بکنه و زمانی که ازدواج کرد دیگه نمیشد باهاشون باشیم/ الانم پدر فوت شدن و من مستقل تهرانم.
تمایل به استقلال طلبی	قبلاً دانشجوی بودم. تهران بعد از اینکه دانشگاه بودم که مدتی رو تو خوابگاه زندگی کردم و خیلی به استقلال و دوری از خانواده عادت کرده بودم.
تفاوت‌های ارزشی با خانواده	اونا (خانواده) خیلی دوست داشتند من ازدواج کنم ولی من با وجود این که خواستگار داشتم نمی‌خواستم به هر قیمتی ازدواج کنم.

مهاجرت تحصیلی یا کاری

یکی از دلایل مهم در تجربه سبک تجردزیستی، جدایی مشارکت‌کنندگان از شهرستان محل سکونتشان بود. تمامی دختران شهرستانی یعنی آن‌هایی که خانواده‌شان ساکن شهر تهران نبودند نقطه شروع این سبک زندگی را در دوران دانشجویی خود می‌دانستند. برخی از مشارکت‌کنندگان به واسطه تحصیلات و برخی به دلیل فرصت‌های کاری در تهران از خانواده جدا شده بودند. دختران در سنین کمتر از سن فعلی خود مانند شروع دوران لیسانس یا فوق‌لیسانس (۱۸ تا ۲۲ سالگی) از شهرستان محل سکونت خود جدا شده بودند و با توجه به افزایش سن و مجرد ماندن، علاوه بر مشکلات مربوط به کمبود امکانات کاری، برچسب مجردماندن در سنین بالا نیز با آن‌ها همراه شده بود و با مهاجرت به تهران نوعی گریز از محدودیت‌های محیط سنتی نیز اتفاق افتاده بود.

رخدادهای ناخواسته خانوادگی

مشکلات خانوادگی مانند جدایی والدین یا فوت والدین منجر به تجربه این سبک زندگی در دختران مشارکت‌کننده تهرانی شده بود. برای مشارکت‌کنندگان تهرانی نقطه شروع مستقل‌شدن با دختران شهرستانی متفاوت بود. متارکه والدین و فوت والدین به عنوان مشکلات

ناخواسته خانوادگی از دلایل زندگی مجردی‌شان ذکر شد. شاید بتوان گفت پاسخگویان شهرستانی فرایند محورتر به سمت این زندگی آمده بودند و دختران تهرانی با یک اتفاق درون خانوادگی مانند طلاق والدین یا فوت والدین به سمت تجربه این سبک از زندگی کشیده شده بودند.

تمایل به استقلال

با افزایش سن و کاهش احتمال ازدواج، تمایل به استقلال به یکی از خواسته‌های ضروری دختران تبدیل شده است. تجربه استقلال و آزادی برای دختران دو مفهوم درهم‌تنیده بود که تجربه آن با زندگی همراه با خانواده برایشان امکان‌پذیر نبوده است. استقلال برای دختران مفهومی نبود که تنها در بعد عینی و جدایی فیزیکی از خانواده معنا پیدا کند بلکه در رهایی از محدودیت‌های ذهنی نیز تعریف شد. اگرچه دختران تجرد زیست با جدایی از خانواده استقلال مکانی داشتند اما آن‌ها تمایل به استقلال ذهنی را هم مطرح کردند؛ اینکه بتوانند بدون دخالت از نظرات و وابستگی به اطرافیان زندگی‌شان را بسازند. از آنجایی که رده سنی دختران مجرد در این پژوهش سی سال به بالا و تمامی مشارکت‌کنندگان دارای شغل و تحصیلات بودند شرایط لازم برای تجربه استقلال را به دست آورده بودند.

تفاوت‌های ارزشی با خانواده

بافت زندگی خانوادگی تمام دختران مشارکت‌کننده مبتنی بر الگوهای سنتی-مذهبی بود و دختران به واسطه تحصیلات، تجربه زندگی در شهر بزرگ و تفاوت‌های نسلی و شتاب تغییرات ارزشی-فرهنگی در جامعه با بسیاری از ارزش‌های خانواده همسو نبودند. برای اینکه زندگی مجردی مورد پذیرش خانواده قرار بگیرد نیاز به دلایل موجهی مانند ادامه تحصیلات یا کار در تهران داشتند. دخترانی که خانواده آن‌ها ساکن شهرستان بودند امکان تجربه زندگی مستقل را در شهر محل زندگی خانوادگی خود بسیار دشوار بیان کردند و ادامه تحصیلات زمینه اولیه برای دستیابی به این سبک زندگی را برای آن‌ها فراهم کرد. همچنین مشارکت‌کنندگان بیان کردند که با افزایش سن فشار خانواده و اطرافیان برای ازدواج بر آن‌ها نیز بیشتر شده و به یکی از عوامل تنش بین آن‌ها و خویشان نزدیک تبدیل شده بود.

ب) چالش‌های تجرد زیستی: از مشکلات اقتصادی تا خودسانسوری‌های فردی-اجتماعی

جدول ۳: چالش‌های تجردزیستی

مضمون فرعی	نمونه پاسخ
مشکلات اقتصادی	تو تهران بزرگ‌ترین مسئله خونه هست یعنی هزینه‌های خونه طوری که خرید خونه رو که فراموش کردم ممکنه باعث بشه برم شهرهای پیرامون تهران/ بزرگ‌ترین معضل فرد مجرد با توجه به اینکه حقوق خانم‌ها خیلی جاها پایین‌تر یا موقعیت شغلی کمتر برآمدن از پس هزینه زندگی خیلی مهمه و این هزینه‌ها خیلی سنگینه.
احساس تنهایی	دلیم می‌خواد شب‌ها سرم رو کنار یک مرد خوب بذارم یکی که هم حامی باشم هم خوب باشه دیگه. نبودش رو حس می‌کنم و یک جور تنهاییه.
فشار اجتماعی	همسایه‌ها از راه دلسوزی وارد می‌شدند و می‌پرسیدند و می‌گفتن: خواستگار نداری؟ تو که انقدر دختر خوبی هستی؟ تو دیگه چرا؟ یه دختر تنها توی تهران مگر می‌خواد راهبه بشه؟ تا کی می‌خوای مجرد بمونی؟/ داره تنها زندگی میکنه حتماً می‌خواد یه خط قرمزهایی رو رد کنه که تنها زندگی میکنه.
پنهان کاری	تبدیل میشی به یک آدم دروغ‌گو به خاطر اینکه سبک زندگی من طوری که گاهی با دوست‌پسرم ارتباط دارم، تو محیط کارم منو فردی می‌شناسند که بخش‌های پنهانی تو زندگیش داره.
تعارض در مسائل جنسی	به دهه هفتادی هشتادی‌ها نگاه می‌کنم خیلی راحت‌ترند به خودم (مسائل جنسی) خیلی سخت گرفتم و الان برام ارتباط گرفتن سخت شده. فکر می‌خواد ولی نمی‌تونم دیگه.

مشکلات اقتصادی

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که تمامی مشارکت‌کنندگان آن را مطرح کردند مشکلات اقتصادی بود. دختران برای سکونت در شهر تهران مجبورند خود را بیشتر درگیر کار کنند و تعدادی از مشارکت‌کنندگان علاوه بر شغل ثابت تجربه شغل پاره‌وقت هم داشتند. آن‌ها بیان کردند که ترس از هزینه‌ها ممکن است برایشان وابستگی‌هایی را ایجاد کند که متبوعشان نیست. این وابستگی می‌تواند در سخت‌ترین حالت برگشت به زندگی همراه با خانواده باشد. همچنین هزینه مسکن بزرگ‌ترین معضل اقتصادی‌شان مطرح شد. آن‌ها نیاز به امنیت برای

خود را بالا می‌دانستند و بنا به بیان تعدادی از مشارکت‌کنندگان این امنیت در محیط‌هایی که مسکن گران‌تر است یعنی نواحی بالای شهر بیشتر فراهم می‌شود.

احساس تنهایی

در این پژوهش تنهایی برای دختران مفهومی چندبعدی بود که هم به عنوان مزیت و هم به عنوان چالش زندگی مجردی به آن اشاره شد. تنهایی که به عنوان چالش مطرح شد بیشتر معطوف به آینده و عاطفی بود. مشارکت‌کنندگان تنهایی طولانی‌مدت را منفی می‌دیدند اما از تنهایی و فرصت‌های خلوت کوتاه‌مدت خود رضایت داشتند. نگرانی از تنهایی در طولانی مدت، منجر به ایجاد ترس از آینده نامعلوم از بابت داشتن ارتباط‌های صمیمانه شده بود و در این میان دخترانی که یکی از والدین خود را از دست داده بودند دغدغه بیشتری داشتند.

فشار اجتماعی

یکی از مشکلات شایع و گاهی روزمره برای دختران مجرد مسئله فشارهای اجتماعی است که به شکل‌های پیش‌داوری، کنجکاوی اطرافیان در مورد زندگی شخصی، سرزنش و احساس ترحم آن را تجربه می‌کنند. این فشارهای اجتماعی چالش‌هایی است که برخاسته از شرایط و سبک زندگی آنان است؛ یعنی امکان تجربه این رفتارها برای دخترانی که در چارچوب نرم‌های کلان اجتماعی قرار دارند وجود ندارد. تمامی مشارکت‌کنندگان تجربه برجسب‌های اجتماعی ناشی از مجردی در سن بالا را بیان کردند که در محیط‌های مختلف از کاری تا خانوادگی با آن مواجه هستند.

پنهان‌کاری و خودسانسوری

شرایط زندگی دختران به‌گونه‌ای است که تعدادی از دختران به دلیل عدم پذیرش محیط پیرامون مجبورند تا بخشی از زندگی خود را پنهان کنند. دخترانی که از ارزش‌های سنتی خانواده فراتر رفتند سعی می‌کنند بخش‌های مهمی از زندگی خود را از خانواده مخفی کنند و این پنهان بودن زندگی در طولانی‌مدت را آزاردهنده توصیف کردند. علاوه بر خانواده، اکثر دختران بیان کردند که در محیط کاری سبک زندگی خود را پنهان می‌کنند و به نظر آن‌ها جامعه هنوز پذیرای این سبک زندگی نیست و ترس از مزاحمت بیشتر از سوی آقایان را دارند. دخترانی که در نهادهای دولتی مانند آموزش و پرورش شاغل‌اند محیط کاری خود را بابت امنیت ارتباطی مثبت‌تر ارزیابی کردند. دختران شاغل در بخش خصوصی تجربه مثبت و منفی از محیط کار دارند که آن را مرتبط با فرهنگ سازمانی حاکم بر محیط کار می‌دانند؛ اما غالب دختران عنوان کردند در محل کار ترجیح می‌دهند از سبک زندگی خود حرفی نزنند تا امنیت آن‌ها در معرض تهدید قرار نگیرد.

تعارض در مسائل جنسی

سردرگمی در مورد نیازهای جنسی یکی از مسائل مطرح در صحبت‌های مشارکت‌کنندگان بود. دخترانی که پایبند به دین‌اند به امید ازدواج و به دلیل باورهای دینی خود، پاسخی به تمایلات جنسی خود نمی‌دهند و این امر را پذیرفتند. دخترانی که به شکلی رابطه جنسی قبل از ازدواج را تجربه کرده بودند برخی رضایت داشتند و تعدادی از دختران بنا بر تجربیات خود بیان کردند که اعتماد به جنس مخالف برایشان سخت شده است. همچنین ضعف در اطلاعات در حوزه ارتباطی-عاطفی و سلامت جنسی وجود دارد که احتمال آسیب جسمانی و عاطفی به دختران را بالا می‌برد. مشارکت‌کنندگان تجربه دسترسی به منبعی قابل اعتماد و امن برای رسیدن به پاسخ‌هایشان در این حیطه را نداشتند.

ج) راهبردهای تسهیل‌گر زندگی: کنترل بر زندگی و تمرکز کاری

جدول ۴: راهبردهای تسهیل‌گر زندگی

مضمون فرعی	نمونه پاسخ
گسترش دامنه دوستی	بیشتر زمان رو با دوستانم می‌گذرونم گاهی حرفایی که بهشون می‌زنم رو نمی‌تونم به خونوادم بگم/ با دوستان راحت‌ترم دیگه با دوستان بیشتر می‌تونم حرف بزنم. حتی اونا که ازدواج می‌کنن همچنان یه سری حرف‌های منو بهتر می‌فهمند و درک می‌کنن
تمرکز بر پیشرفت کاری	حس می‌کنم خیلی خیلی رشد می‌کنم خودم فک می‌کنم خیلی خیلی پیشرفت می‌کنم و چالش‌هایی که دارم رو با موفقیت ازش میام بیرون و مستقل تر از چیزی که هستم میشم. (کاری)

مدیریت ارتباط‌های اجتماعی وقتی که خونه بودم معمولاً ممکن بود خواهرام و برادرم بیان با بچه هاشون حس کردم یه بخشی از زندگیم رو دارم گم می‌کنم به خاطر اینکه من سر کار می‌رفتم و تنها بخش لذت‌بخش زندگیم این بود و مهمونی‌ها برای من خیلی خوشایند نبود از بچگی هم خیلی خوشایند نبود واسم و اهل خیلی رفت و آمد نبودم.

گسترش دامنه دوستی

شبکه ارتباطی دوستان نقش مؤثری در زندگی مشارکت‌کنندگان داشت. در این پژوهش، دامنه دوستی از دوستان مرد (عاطفی یا غیر عاطفی) تا دوستان دختر را در برمی‌گرفت. دختران نقش دوستان را گاهی از خانواده مهم‌تر بیان کردند. اگرچه بخشی از زندگی آن‌ها ممکن است از خانواده مخفی باشد؛ اما با دوستان صمیمی خود راحت‌ترند و احساس می‌کنند از جانب آن‌ها بهتر درک می‌شوند و کمتر قضاوت می‌شوند. همچنین به دلیل افزایش سن والدینشان ترجیح می‌دهند در صورت مواجه شدن با مشکلات آن‌ها به تنهایی یا به کمک دوستان خود مدیریت کنند و کمتر دغدغه‌های خود را با خانواده مطرح کنند.

تمرکز بر پیشرفت کاری

در این مطالعه، دختران هویت خود را متفاوت از مفاهیم سنتی یعنی فقط نقش مادری و همسری تعریف کردند و آنچه بیشتر بیان شد معطوف به رشد فردی و شغلی آن‌ها بود. به صورت کلی کار به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های زندگیشان مطرح شد و پیشرفت کاری جزو اولویت‌های زندگی بود. هدف غالب دخترانی که تحصیلات عالی دارند رسیدن به جایگاه شغلی است تا آنجا که ازدواج را برای تمرکز به آن به تعویق انداخته بودند. و موفقیت شغلی و به دنبال آن رفاه اقتصادی منجر به کاهش تجربه دو چالش فشارهای اجتماعی ناشی از مجردی در سن بالا و مشکلات اقتصادی می‌شود.

مدیریت ارتباط‌های اجتماعی

بنا به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان، در زندگی مجردی مدیریت بیشتری بر ارتباط‌های اجتماعی وجود دارد زیرا دامنه ارتباطی دختران مشخص است و وابسته به دیگری مانند والدین، همسر یا فرزند نیست. به همین دلیل دختران مدیریت مهمانی‌های خانوادگی و کاهش دخالت اطرافیان به دلیل ارتباط کمتر با آن‌ها را از مزیت‌های این سبک زندگی برشمردند. آن‌ها فرصت خلوت و زمان کافی برای رسیدن به علاقه‌مندی‌هایشان را بدون داشتن مسئولیت نسبت به دیگری عاملی می‌دانستند که در شرایط رویاروی با سختی‌های این سبک زندگی آرامشان می‌کند.

د) نگرش به مادری: تردید در پذیرش مسئولیت یا فرزندآوری به شرط مهاجرت

جدول ۵: نگرش به مادری

مضمون فرعی	نمونه پاسخ
مشکلات اجتماعی	دوست دارم این اتفاق بیفته به شرطی که از ایران برم البته علاقه‌ای به رفتن ایران هم نداریم یه جوری فک می‌کنم هیچ‌وقت مادر نشم/ دوستای متأهلم که بچه دار از صبح میان سر کار بچه‌ها تو مهدکودک که گاهی اوقات بچه‌ها بعد از دوسالگی سالگی تو مهدکودک من دلم واقعاً برای بچه‌ها می‌سوزه/ از وقتی کرونا شده می‌گم چه خوبه تنهام و مسئولیتی ندارم.
احساسات متعارض	مادر شدن یه نقطه اون دور دوراست. من نمی‌گم صدرد می‌خوام مادر بشم یا هزار درصد نشم. من الان ترجیحم هست نشم.
جبران‌پذیری	الان تخمک فریز کردن هست. مثلاً ما این تخمک فریز می‌کنیم شاید نظرم عوض بشه واسه بارداری و اونوقت استفاده می‌کنم/دوست دارم تجربه مادری رو داشته باشم ولی نمی‌خوام خودم به دنیا بیارمش. ترجیح می‌دم که ببین یه حرفی دوستم می‌زد که می‌گفت این دنیا پر دیگه تو چیزی رو نمیتونی بهش اضافه کنی تو باید یه باری رو از دوش این دنیا برداری یعنی کافیه یعنی حالا یه دونه دیگه بیاری که چی بشه

مشکلات اجتماعی

مشارکت‌کنندگان مشکلات اقتصادی، افزایش آمار جدایی، الگوی والد ناموفق و مسائل مربوط به بحران کرونا را از دلایل تردید نسبت به ایفای نقش مادری برای خود ذکر کردند. آن‌ها علاوه بر نگرانی نسبت به آینده خود بیان کردند که نگرانی نسبت به آینده کودکی دارند

که با وجود مشکلات اجتماعی در این برهه زمانی به دنیا بیاید و برخی از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که چنانچه فرصت مهاجرت برای آن‌ها بوجود بیاید به داشتن نقش مادری فکر می‌کنند.

احساسات متعارض

در این پژوهش تمامی مشارکت‌کنندگان الگوی واضحی از اینکه فردی که مادر نمی‌شود و تا انتهای عمر ازدواج نکرده، نداشتند. زندگی متداولی که تا امروز در جامعه جهانی و ما وجود داشته زندگی زنانی بوده که نقش مادری و همسری داشتند و میان‌سالی و سالمندی زنان متأهل تجربه رایج اجتماعی است. برخی از دختران مادری را از خود دور می‌دانستند. در این مطالعه، بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان مادرشدن را در برنامه آینده خود متصور نبودند و برخی از مشارکت‌کنندگان مادری را به شرط فراهم بودن تمامی شرایط مناسب رشد یک کودک مطرح کردند.

جبران پذیری

برخی از مشارکت‌کنندگان به دلایلی مانند امکان فرزندخواندگی و یا امکان فریز تخمک، نگران بالارفتن سن و عدم تجربه مادری نبودند. با توجه به شرایط جامعه و افزایش سن ازدواج، راه‌های جایگزینی برای تجربه مادری بدون الزام وجود همسر یا به دنیا آوردن یک کودک از جانب مشارکت‌کنندگان مطرح شد. تعدادی از مشارکت‌کنندگان با امنیت ناشی از پیشرفت علم و یا عدم باور به تجربه مادری (با تولد کودک) این امکان را متصور بودند که هر زمانی برای نقش مادری آماده باشند می‌توانند آن را تجربه کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تجربه زیسته دختران مجرد از سبک زندگی تجردزیستی انجام گرفت که بر اساس مؤلفه‌های استنباط شده از بیانات مشارکت‌کنندگان و مفاهیم حاصل از آن‌ها می‌توان نتایج پژوهش را به شرح ذیل تبیین نمود:

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث تجربه این سبک زندگی می‌شود مجرد بودن افراد است. اگرچه تمایل به ازدواج در مشارکت‌کنندگان از علاقه‌مندی و نیافتن گزینه مناسب برای ازدواج تا بی‌علاقگی در ازدواج را در بر می‌گرفت اما مشارکت‌کنندگان الگوی نسبتاً مشابهی را در نگرش به ازدواج خود مطرح کردند. در سنین دبیرستان و اوایل ورود به دانشگاه آن‌ها به‌صورت انتخابی تمایلی به ازدواج نداشتند و ترجیح داده‌اند کمی سن ازدواج خود را به تأخیر بیندازند؛ بعد از پایان تحصیلات مشارکت‌کنندگان تمایل به ازدواج داشتند که میسر نشده است؛ با افزایش سن این تمایل به ازدواج برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان کاهش یافته و نوعی پذیرش برای آن‌ها به وجود آمده است. این نوسانات تمایل به ازدواج هم‌راستا با پژوهش دیویس^۱ (۲۰۰۳) است که می‌گوید زمانی که سن زنان بالاتر می‌رود به مرور می‌پذیرند که سن ازدواجشان گذشته و بیشتر متمرکز بر وضعیت حال خود می‌شوند هرچند در مقطعی از زندگی خود متمایل به ازدواج بودند.

اگرچه برخی از دختران به پذیرش مجردی خود می‌رسند اما این پذیرش در دامنه محیط اجتماعی پیرامون آن‌ها اتفاق نمی‌افتد. مشارکت‌کنندگانی که خانواده زیستی‌شان ساکن شهرستان بود بیان کردند که در تهران فشار هنجاری کمتری را بابت مجردبودن خود نسبت به شهرستان تجربه می‌کنند. این یافته‌ها همسو با مطالعات قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) است که به مشکلات پیرامون دختران مجرد در شهر ایوان پرداخته بودند. دختران در شهر ایوان نوعی فشار هنجاری را تجربه می‌کنند و دل‌مشغولی و دغدغه ازدواج عمدتاً از سن هجده‌سالگی شروع می‌شود. این در حالی است که در شهرهای بزرگ به دلیل زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تجرد در سن بیست و پنج‌سالگی هم قابل اعتنا نیست. همان‌طور که در یزد پدیده داغ ننگ در بیش از نیمی از دختران مجرد بالای ۳۰ سال تجربه می‌شود (قانع‌ی عزآبادی و همکاران، ۱۳۹۴). فرضی‌زاده (۱۳۹۳) نیز شرایط دختران مجرد در شهرستان‌های کوچک را دشوار بیان کردند. بر مبنای این مطالعات هر چه شهر محل زندگی کوچک‌تر باشد فشار بر روی دختران مجرد افزایش پیدا می‌کند. همچنین شرایط مستقل‌شدن در شهرستان به راحتی فراهم نیست که یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تجربه تجردزیستی در شهر تهران می‌شود.

از سوی دیگر، با بالارفتن سن، تمایل به فردگرایی و استقلال در افراد افزایش پیدا می‌کند. همسو با یافته‌های قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) حس سربار نبودن در میان دختران مجردی که سنشان از عرف جامعه برای ازدواج بالاتر رفته است دیده می‌شود. احمدی (۱۳۹۲) تحصیلات و اشتغال را دو عنصر اصلی برای تجربه استقلال در زنان می‌داند که تمامی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از تحصیلات

شرایط کاری برخوردار بودند. یافته‌های پژوهش‌های (کجباف و همکاران، ۱۳۸۷، سفیری و کلانی، ۱۳۹۵ و کلیک، ۲۰۱۸) نیز هم‌راستا با تمایل به استقلال در زنان و به‌خصوص در دختران مجرد است.

با ورود به تجرد زیستی دختران با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند که یکی از بزرگ‌ترین این چالش‌ها مسائل مالی است. اگرچه مشکلات اقتصادی تجربه مشترک اکثریت افراد جامعه است اما این چالش برای دختران به دلیل زندگی مبتنی بر تک دستمزدی می‌تواند دشوارتر باشد درحالی‌که در زندگی افراد متأهل امکان داشتن درآمد مشترک برای زوجین وجود دارد. تجربه این مشکل نیز همسو با مطالعه پوراعتماد (۱۳۸۳) است که یکی از پیامدهای روانی و اجتماعی تجردهای ناخواسته را مشکلات مالی توصیف می‌کند.

فشارهای اجتماعی ناشی از مجرد بودن و همزمان تجربه تجردزیستی دختران را مواجه با برچسب‌های چندگانه می‌کند. از سویی، به دلیل گذشتن از سن هنجاری جامعه برای ازدواج، نگاه سنگین‌تری بر دختران مجرد وجود دارد و زمانی که دختری علاوه بر مجردی تصمیم می‌گیرد به تنهایی زندگی کند بیشتر در معرض برخی قضاوت‌ها و ارزش‌گذاری‌های منفی محیط پیرامون قرار می‌گیرد. این مسئله در سطح جهانی هم وجود دارد زیرا همچنان در جوامع زندگی متأهلی بر دیگر اشکال زندگی مانند مجردی که رشد زیادی پیدا کرده غالب است (لج^۱ و وان‌درووات^۲، ۲۰۱۸). تجرد برای زنان، متحمل نوعی هزینه از سوی جامعه است که ممکن است با ترحم و سرزنش همراه باشد. (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵). مطالعات دیگر نیز همسو با تجربه فشارهای اجتماعی در دختران مجرد است (خدابخشی و پیش بهار، ۱۳۹۸، فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۸، عرفانی آداب و فتحی آذر، ۱۳۹۶).

در این سبک زندگی دختران ترس از تنهایی در طولانی‌مدت دارند و نبود شریک عاطفی نیز برای آن‌ها خوشایند نیست و تجربه احساس تنهایی در دختران مجرد در پژوهش‌های زیادی بیان شده است. مطالعه حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که دختران مجرد دشواری تجرد و تحمل رنج، انزوا و تنهایی در دنیایی که بیشتر مردم هم‌سن آن‌ها ازدواج کرده‌اند را تصدیق می‌کنند. پوراعتماد (۱۳۸۳) در مطالعه خود با عنوان پیامدهای روانی و اجتماعی تجردهای ناخواسته ترس از تنها ماندن در سنین کهولت را از چالش‌های مجردی دانستند که با تنهایی طولانی‌مدت در این مطالعه قابل درک است. عرفانی آداب و فتحی آذر (۱۳۹۶) یکی از آسیب‌های دختران مجرد بالای ۳۵ سال را در تجربه احساس تنهایی به دلیل نداشتن شریک زندگی و عدم ازدواج دانستند.

در میان تجربه مشکلات ناشی از سبک زندگی تجردزیستی، نگاه دختران به فرصت‌هایی نیز هست که از تجربه این نوع از زندگی به دست می‌آورند. یکی از این فرصت‌ها امکان تمرکز بر شغلشان است که پیشرفت بیشتر آن‌ها در محیط‌های کاری را می‌تواند به دنبال داشته باشد. همسو با این یافته‌ها برخی مطالعات (مستی و فخرایی، ۱۳۹۳؛ ترکمن و فتحی، ۱۳۹۵ و خدا بخشی و پیش بهار، ۱۳۹۸) اشتغال را عاملی مؤثر بر سلامت اجتماعی زنان و کیفیت زندگی بهتر در دختران مجرد بیان کرده‌اند. مشارکت‌کنندگان اشتغال را هم منبعی برای دسترسی به استقلال اقتصادی و هم عاملی هویتی تعریف کردند. همچنین، دختران تجرد زیست به دلیل تمرکز بر زندگی فردی تجربه استقلال و آزادی عمل بالایی را دارند که همسو با یافته‌های پیشین (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵؛ فولر، ۲۰۰۱ و کلیک، ۲۰۱۸) است. در مطالعه جیجی^۳ (۱۹۸۰) زنان مجرد فرصت کافی برای تمرکز بر روی رشد خود داشتند و زنان متأهل بیشتر بر روی رابطه‌های فردی متمرکز بودند. همراه با تمرکز بر پیشرفت کاری و توجه به ابعاد مثبت این سبک زندگی، دختران از دامنه دوستی نسبتاً وسیعی برخوردارند که این دوستی علاوه بر کاهش میزان احساس تنهایی و ابعاد مثبت روانی، در شرایط دشوار غیر عاطفی مانند نیاز برای جابجایی محل سکونت نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد. حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) شبکه ارتباطات زنان مجرد در کشورهای دیگر با دوستان را منجر به کاهش مشکلات زندگی مجردی شده است. دختران تجرد زیست در این مطالعه نیز نقش دوستان را گاهی از خانواده مهم‌تر بیان کردند. دوستی و دریافت حمایت اجتماعی می‌تواند بر کاهش احساس تنهایی نیز تأثیر بگذارد. این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش‌های نیکولسن^۴ و ثرسن^۵ (۲۰۱۷)، لی^۶ و کو^۷ (۲۰۱۸) و مدنی پور و سپاه منصور (۱۳۹۲) بود.

تمامی دختران در بافت خانواده سنتی پرورش یافته بودند. داشتن نقش مادری یکی از منابع هویت‌یابی خانواده‌های سنتی است و علاوه بر خانواده، جامعه نیز نقش همسری و مادری را دو نقش مهم در زندگی زنان تعریف کرده است. بر مبنای بیانات دختران، مادری

1 Lesch

2 Van der Watt

3 Gigy

4 Nicolaisen

5 Thorsen

6 Lee

7Ko

برای آن‌ها اولویت زندگی نبوده که این نتیجه می‌تواند همخوان با کاهش فرزندآوری در کل جامعه چه در میان افراد متأهل چه مجرد باشد. زارع مهرجردی و همکاران (۱۳۹۵) و کاظمی و افضل (۱۳۹۴) عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند بی‌ثباتی‌های اجتماعی و ترس از آینده را مؤثر بر کاهش نرخ باروری عنوان کردند که در این پژوهش به شکل عدم رغبت یا تردید به دریافت نقش مادری نمود پیدا کرد. آدلر^۱ (۲۰۰۴) معتقد بود زنان مادر بودن خود را برای زمان بیشتر آزادی به تعویق می‌اندازند. دوگانگی برای حفظ شرایط موجود و بر عهده گرفتن نقش مادری و همسری باعث تردید دختران در تجربه یا احساس نیاز به داشتن نقش مادری شده است.

در مجموع، تجردزیستی سبکی از زندگی در حال افزایش است و اگرچه این سبک زندگی پست مدرن است اما بر مبنای یافته‌های این پژوهش دختران مجرد با عقاید متفاوت از تفکرات سنتی، مدرن و پست مدرن در حال تجربه این نوع از زندگی هستند. از جمله محدودیت‌های موجود در این پژوهش، انجام این مطالعه فقط بر روی دختران مجرد بود و پیشنهاد می‌شود در پژوهشی گروهی از پسران با تجربه تجردزیستی نیز مورد مطالعه قرار بگیرند که به درک جامع‌تر از این پدیده کمک شود؛ همچنین بر مبنای پژوهش حاضر عوامل زمینه‌ساز تجردزیستی چند علتی است و در این پژوهش امکان واکاوی تجردزیستی دختران توسط دیگر نهادهای اجتماعی پیرامون آن‌ها مانند خانواده، همکاران و همسایگان میسر نبود که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به این موضوع با نگاهی سیستمی پرداخته شود. در پایان، افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی مسئله‌ای جهانی است؛ لزوم مطالعه‌ای بین فرهنگی در مورد چگونگی این سبک زندگی در دیگر کشورها به ویژه کشورهایی با زمینه‌های بافتی مشابه با ایران برای درک بهتر این پدیده پیشنهاد می‌شود.

منابع

- احمدی، و. (۱۳۹۲). تغییر نگرش نسبت به نابرابری جنسیتی در طی فرایند گذار جمعیتی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴(۳): ۱۵-۳۴.
- افراشته، م. و فرامانفرمای، ت. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین (هم‌خانگی). *فصلنامه مدیریت فرهنگی*، ۱۱(۲): ۹۹-۱۰۸.
- باقری، ش.، مداحی، ج. و لطفی خاچکی، ط. (۱۳۹۸). بر ساخت معنایی تاخیر سن ازدواج بر اساس نظریه‌ی زمینه‌ای (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد). *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۶۳(۶۳): ۶۹-۴۳.
- پورا اعتمادح. (۱۳۸۳). بررسی پیامدهای روانی اجتماعی تجردهای ناخواسته در دختران، *نشریه آسیب‌شناسی خانواده*، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- ترکمن، س. و فتحی، س. (۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، *مجله زن و جامعه*، ۴(۲۸): ۲-۱۳.
- حسینی، ح. و ایزدی، ز. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد. *جمعیت مورد مطالعه زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان سابق)*، ۱۴(۱): ۴۱-۷۲.
- خدابخشی، آ. و پیش بهار، ز. (۱۳۹۸). تجارب زندگی دختران مجرد و غیر شاغل سی تا چهل ساله شهر تهران. *دوفصلنامه روانشناسی فرهنگی*، ۳(۲): <https://civilica.com/doc/1153775/>
- زارع مهرجردی، ر.، محمدی نیا، ط.، حسینی، ق. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مرتبط با میزان به تاخیر انداختن تولد فرزند اول (مطالعه موردی زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله ساکن شهر مشهد). *طلوع بهداشت*، ۱۵(۳): ۳۰-۴۲.
- سفیری، خ. و کلائی، س. (۱۳۹۵). تجربه زیسته ی جوانان در مواجهه با چالش های هویتی جامعه گذار (مطالعه کیفی جوانان ۲۰-۳۰ سال شهر اصفهان). *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱): ۹۹-۱۲۴.
- عرفانی آداب، ا.، فتحی آذر، ا. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی مسأله تجرد دختران بالای ۳۵ سال (تبیین مفهوم احساس تنهایی و علل آن). *مطالعات پژوهشی زنان با رویکر اسلامی*، ۶(۲۰): ۹۵-۱۱۴.
- فتحی، ا. (۱۳۸۸). بررسی سالمندی جمعیت ایران در نیم‌قرن اخیر و آینده آن تا سال ۱۴۳۰ شمسی، *هفته نامه برنامه*، ۲۱: ۸-۲۴.
- فرضی زاده، ز. (۱۳۹۳). طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد. *مجله توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی)*، ۶(۱): ۱۲۳-۱۴۶.
- فیروزآبادی، ا. و صادقی، ع. (۱۳۸۸). مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت. *زن در توسعه سیاست*، ۸(۲): ۹۳-۱۱۴.
- قادرزاده، ا.، غلامی، ف. و غلامی، ا. (۱۳۹۶). بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۳): ۴۰۳-۴۲۶.

Solo-living among single women: A Phenomenological Study of Challenges and Strategies

قانع‌ی عزآبادی، ف.، قاسمی، و. و کیانپور، م. (۱۳۹۴). نگرش اجتماعی نسبت به دختران ۳۰ سال و بالاتر (مورد مطالعه شهر یزد). *پژوهش‌های جامعه معاصر*. ۷(۷): ۹۹-۱۲۷.

کاظمی، ز. و افضلی، م. (۱۳۹۴). علل فرهنگی - اجتماعی کاهش نرخ باروری ازدیدگاه زنان. دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی. <https://civilica.com/doc/390720/>

کاظمی پور، ش. (۱۴۰۰). دلایل کاهش ازدواج و فرزندآوری. خبرگزاری ایسنا. isna.ir/xdLfmk
کجباف، ب.، لطیفی، ز.، پوراعتماد، ح. و توکلی، م. (۱۳۸۷). تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران. *مجله خانواده پژوهی*، ۴(۲): ۱۲۳-۱۳۲.

گال، م. و همکاران (۱۳۹۹). روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه: احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت.
محبی، ف.، سیاح، م.، حسینی، ش. (۱۳۹۵). دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو. *مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۶(۲): ۲۵۱-۲۷۴.
مداحی، ج.، سراج‌زاده، ح. و حبیب‌پور گتایی، ک. (۱۴۰۰). مسئله تجرد: سوژه و زیست جهان نو پدید دختران شهر تهران. *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۲۳): ۷-۳۴.

مدنی پور، ن.، سپاه منصور، م. (۱۳۹۲). رابطه بین حمایت اجتماعی و احساس تنهایی. *کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران، تهران، ایران*.
مستی، ا.، فخرایی، س. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین وضعیت اشتغال زنان با میزان سلامت اجتماعی آنان (مورد مطالعه زنان شهر مراغه). *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، ۷(۲۴): ۱۱۷-۱۳۳.

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۵). گزارش وضعیت زنان و خانواده در آیین آماری. تهیه و تنظیم با معاونت بررسی‌های راهبردی.
Addie, E., Brownlow, C. (2014). Deficit and asset identity constructions of single women without children living in Australia: An analysis of discourse. *Feminism Psychology*, 24: 423-439. <https://doi.org/10.1177/0959353514539463>
Adler, M. A. (2004). Child-free and unmarried: Changes in the life planning of young east German women. *Journal of Marriage and Family*, 66(5), 1170-1179. <https://doi.org/10.1111/j.0022-2445.2004.00085.x>
Çelik, K. (2018). Unmarried women with closed "windows of opportunity": Professional women's reasons for not getting married. *Women's Studies International Forum*, 66, 48-55. <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2017.11.012>
Davies, L. (2003). Singlehood: Transitions within a gendered world. *Canadian Journal on Aging/La Revue canadienne du vieillissement*, 22(4), 343-352. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1017/S0714980800004219>
DePaulo, B. M. (2016). What no one ever told you about people who are single. *American Psychological Association*, 1(9), 57-83. <https://www.apa.org/news/press/releases/2016/08/single-people.pdf>
Fuller, P. A. (2001). Living single: A phenomenological study of the lived experience of never-married professional women. Walden University. <https://openview.proquest.com/openview/fe90d97d4810ff184fceb0025ee976b6/1?pq-origsite=18750&diss=y>
Gigy, L. L. (1980). Self-concept of single women. *Psychology of Women Quarterly*, 5(2), 321-340. <https://doi.org/10.1111/j.1471-6402.1980.tb00965.x>
Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Mill Valley, CA: Sociology Press. http://www.sxf.uevora.pt/wp-content/uploads/2013/03/Glaser_1967.pdf
Lee, Y., & Ko, Y.-g. (2018). Feeling lonely when not socially isolated: Social isolation moderates the association between loneliness and daily social interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(10), 1340-1355. <https://doi.org/10.1177/0265407517712902>
Lesch, E., & Van der Watt, A. S. (2018). Living single: A phenomenological study of a group of South African single women. *Feminism & Psychology*, 28(3), 390-408. <https://doi.org/10.1177/0959353517731435>
McDill, T., Hall, S. K., & Turell, S. C. (2006). Aging and creating families: Never-married heterosexual women over forty. *Journal of Women & Aging*, 18(3), 37-50. https://doi.org/10.1300/J074v18n03_04
Nicolaisen, M., & Thorsen, K. (2017). What are friends for? Friendships and loneliness over the lifespan—From 18 to 79 years. *The International Journal of Aging and Human Development*, 84(2), 126-158. <https://doi.org/10.1177/0091415016655166>
Palmer, C., Bolderston, A. (2006). A brief introduction to qualitative research. *The Canadian Journal of Medical Radiation Technology*, 37(1): 16-19. [https://doi.org/10.1016/S0820-5930\(09\)60112-2](https://doi.org/10.1016/S0820-5930(09)60112-2)
Raymo, J. M., Uchikoshi, F., & Yoda, S. (2021). Marriage intentions, desires, and pathways to later and less marriage in Japan. *Demographic research*, 44, 67. <https://www.demographic-research.org/volumes/vol44/3/>